

تجزیه و تحلیل آثار گرافیکی

هدف اصلی از تجزیه و تحلیل هر اثر از نظر بصری، نوشتن یا صحبت کردن درباره ی آن به شیوه ای است که اثر بهتر فهمیده شود.

برای این کار، ابتدا باید اجزای مختلف کار را جداگانه دید. سپس ارتباط این اجزا با یکدیگر را توضیح داد. سرانجام، بر اساس آنچه مشاهده می شود و با توجه به خصوصیت های فرهنگی، اجتماعی، قومی و پرهیز از بیان مفاهیم کلی مثل «خلاق»، «خوب»، «بد»، «زیبا»، «زشت» و... باید میزان موفقیت آن اثر در ایجاد یک محیط بصری خاص برای انتقال اندیشه و پیام سنجیده شود؛ زیرا هدف اصلی از ارائه ی تحلیل، دیدن جایگاه آن در ارتباط تصویری است.

هر بیننده ای بسته به اطلاعات و آشنایی خود از آثار هنری به گونه ای متفاوت، زوایای یک اثر هنری را مشاهده خواهد نمود. اما با درک و یادگیری اصول و راهکارهای ساده می توان یک اثر هنری و گرافیکی را تجزیه و تحلیل کرد. قطعاً نگاه دقیق و همراه با تأمل به ما کمک خواهد نمود تا بتوانیم نقد درستی از هدف هنرمند در خلق اثر داشته باشیم. تا می توانید عناصر اثر را تجرید نمایید تا بتوانید تک تک آنها را توصیف و سپس در حالت کلی به تحلیل آن ها بپردازید.

1- اطلاعات اثر هنری:

در ابتدا می بایست اطلاعات کافی در مورد خالق اثر و خود اثر بدست آورد، از جمله:

خالق این اثر کیست؟

در چه زمانی و در کجا خلق شده است؟

اندازه اثر هنری چقدر است؟

از چه تکنیکی در خلق اثر استفاده شده است؟

تاثیری که این اثر بر جامعه گذاشته است را بررسی نمایید؟

اثر متعلق به کدام مکتب هنری است؟

2- اثر هنری را از دو جنبه ساختار، فرم و ترکیب بندی بررسی می کنیم

1- عناصر بصری:

هماهنگی: نظم و ترتیب میان عناصر بصری را بررسی می نماییم.

حرکت: ممکن است با خط و نقطه ایجاد گردد و به ما حس حرکت و پویایی دهد. حرکت با ریتم نیز ممکن است ایجاد گردد.

نقطه: بر اساس تعریف کاندینسکی، نقطه مکان خود را به استواری اشغال می کند و هیچ گونه گرایشی برای حرکت کردن در جهت افقی یا عمودی نشان نمی دهد. بر این اساس، نقطه می تواند هر عنصری با هر فرمی در نظر گرفته شود. خطوط: یا مجازی هستند یا واقعی. شکل خطوط شامل، افقی، عمودی، مورب و منحنی و غیره است.

سطح: سطوح رنگی کار را مشخص نمایند.

نور: جهت تابش نور را مشخص می نماییم.

حجم: پرسپکتیو اثر را بررسی می نماییم. مثلاً، آیا کنتراست رنگی موجب ایجاد پرسپکتیو می شود؟

رنگ: رنگ های بکار رفته در اثر را نام می بریم.

درجه تیرگی و روشنایی (تونالیته): تیره و روشنی، سبب عمق بخشیدن به کار می شود.

شکل و بافت: شکل عناصر مانند دایره، مثلث، مربع و مستطیل را

مشخص می نمایید و بیان می کنید هر کدام از این سطوح چه ویژگی

های منحصر به فردی دارا می باشند و چه حسی را القاء می نمایند؟

فضای مثبت و منفی: می توانیم تصویر را سیاه و سفید نماییم تا فضای

مثبت و منفی بهتر دیده شوند.

2- ترکیب بندی:

ترکیب بندی به چگونگی قرار گرفتن عناصر در کنار هم گفته می شود که شامل موارد ذیل است:

کادر اثر: افقی یا عمودی است؟ بعنوان مثال کادر افقی نشان سکون و آرامش است و کادر عمودی حرکت و پویایی را شامل می شود.

تاکید یا نقطه عطف: قسمتی از کار را بارز می نماید.

تضاد: در بافت مانند زبری و نرمی، در رنگ، در حجم و اندازه

تعادل: آیا عناصر به لحاظ اندازه در تعادل با یکدیگر قرار دارند؟

تقارن: اگر یک خط فرضی از وسط عنصر رسم نماییم، هر دو طرف بایستی شکل یکسانی داشته باشند.

تناسب: به نسبت میان عناصر گفته می شود.

ریتم: ضرب آهنگ یا تکرار یک شکل، رنگ و هر عنصری می تواند باشد.

رنگ بندی: سرد و گرم، رنگ های مکمل، رنگ های تیره و روشن

نماد و نشانه ها: نماد های بکار رفته در اثر هنری را مشخص و مفهوم آنها را بیان می نماییم.

4- توصیف موضوع و تحلیل محتوایی